

فرهنگ نام‌های کهن و باستانی

استان تهران

نویسنده:

مصطفی پاشنگ



انشارات آردان

سرشناسه	: پاشنگ، مصطفی، ۱۳۲۸
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ نام‌های کهن و باستانی استان تهران / نویسنده: مصطفی پاشنگ
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۳۵۰ ص.
شابک	: ۸ - ۷۴۴ - ۲۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: نام‌های جغرافیایی - ایران - تهران (استان) - ریشه‌شناسی
موضوع	: Names, Geographical - Iran - Tehran(province) - Etymology
موضوع	: نام‌های جغرافیایی - ایران - تهران (استان) - تاریخ
موضوع	: Names, Geographical - Iran - Tehran(province) - History
رده‌بندی کنگره	: DSR ۲۰۰۱
رده‌بندی دیویی	: ۹۱۵۱۲۲
شماره کتابخانه ملی	: ۵۸۹۲۹۳۲



فرهنگ نام‌های کهن و باستانی استان تهران

نویسنده: مصطفی پاشنگ

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۹

چاپ صدف: ۱۰۰۰ نسخه

۷۵۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Ar vannashr.ir

به نام خداوند بخشندهی مهربان

فهرست مطالب

۵		بیشگفتار
۹		فرگرد یکم
۹		بخش یکم: فهرست نام های باستانی شهرها و روستاهای شهر تهران
۶۱		بخش دوم: نام های باستانی شهرها و روستاهای استان تهران
۱۲۵		فرگرد دوم
۱۲۵		بخش یکم: فهرست نام های باستانی کوه های استان تهران
۱۳۷		بخش دوم: نام های باستانی کوه های استان تهران
۱۶۹		فرگرد سوم
۱۶۹		بخش یکم: نام های باستانی استان تهران و فرنگ مردم این سرزمین
۱۷۱		بخش دوم: تهران
۱۷۴		بخش سوم: شاهنامه و نام های باستانی استان تهران
۱۷۷		بخش چهارم: دگرگونی در نام های باستانی استان تهران
۱۸۴		بخش پنجم: دیرینگی استان تهران
۱۸۷		بخش ششم: آیین های باستانی در سرزمین ری باستان و ایران
۱۹۹		بخش هفتم: آیین ها و دیدگاه های دانشمندان و نویسندگان
۲۱۴		بخش هشتم: آیین ها و فرهنگ
۲۱۵		نمادهای آیین مهر
۲۱۹		نمادهای آیین مهر از دیدگاه زبان شناسی
۲۲۲		نماد یکم: خورشید
۲۲۲		نماد دوم: زندگی
۲۲۴		نماد سوم: درخشانی
۲۲۶		نماد چهارم: زیبایی
۲۲۸		نماد پنجم: فراوانی خوش بختی

۲۲۹	نماد ششم: کوه (نماد استواری).....
۲۳۰	نماد هفتم: بالندگی.....
۲۳۱	نماد هشتم: نوآوری، آموزش، پدیدار کردن.....
۲۳۳	نماد نهم: باغ (ور).....
۲۳۴	نماد دهم: دوست داشتن.....
۲۳۵	نماد یازدهم: توانایی.....
۲۳۷	نماد دوازدهم: مانته.....
۲۴۱	نمادهای دیوسانی آیین مهر.....
۲۴۷	بخش نهم: آناهیتا و زبان پارسی.....

۲۵۱	فرگرد چهارم.....
۲۵۱	بخش یکم: زبان و زمین و فرهنگ.....
۲۵۲	زبان پارسی پیش از ساخته شدن تازیان.....
۲۵۴	الف: نام‌های باستانی ساخته شده از تکواژ هسته‌ای و آریایی سن (san) = آموزش.....
۲۵۴	ب: نام‌های ساخته شده از تکواژ هسته‌ای و آریایی (ری) = درخشان.....
۲۵۵	پ: نام‌های ساخته شده از تکواژهای هسته‌ای و آریایی گی و جی = زندگی.....
۲۵۸	بخش دوم: نام‌های باستانی ساخته شده از تکواژهای هسته‌ای در استان تهران.....
۲۶۰	نام‌های باستانی استان تهران ساخته شده از تکواژهای ریشه‌ای و آریایی زبان پارسی.....
۲۶۳	کاربردترین تکواژهای آریایی هسته‌ای و ریشه‌ای زبان پارسی.....
۲۶۴	ساختمان نام‌های باستانی پارسی.....
۲۶۷	فهرست فرگرد چهارم.....
۲۷۱	بخش سوم: سخنی کوتاه در زمینه‌ی نام‌های باستانی زبان و کوچه‌های شهر تهران.....
۲۷۲	بخش چهارم: شهر تهران از چهار دهه‌ی پیش تا اکنون.....
۲۷۳	بخش پنجم: نام‌های باستانی بخش ۱ تهران (شمران).....
۲۸۵	جشن‌های کهن ایران زمین.....
۳۰۷	بخش ششم: نام‌های باستانی رواسان (لواسان).....
۳۱۹	بخش هفتم: نام‌های باستانی شهر تهران بخش ۳ تهران.....
۳۳۱	دروس.....
۳۳۱	دیرینگی دروس از دیدگاه باستان‌شناسی.....
۳۳۹	قلهک.....
۳۳۹	قیطریه.....

۳۴۹	کتابنامه‌ها.....
-----	------------------

پیشگفتار

این درست است که زمینه‌ی سخن در این کتاب نام‌های باستانی استان تهران است. اما گوهر سخن ژرف ساختن زبان پارسی است زبانی که چندین هزار سال گزارش‌کننده‌ی فرهنگ مردم ایران‌زمین بود و این هم هست. اما در این زمینه باید باور کرد که ما از روزگار امروز که به گمانه‌روسی است به روزگاری به دیرینگی چند هزار سال که از دیدگاهی تیره و تاریک است نگاه کردیم یا از نیمه روشن به تاریکی و تم‌نگریسته‌ایم و با دیدگاهی تیره و دانش امروزی و پژوهش‌های میدانی و کتابخانه‌ای به داوری و بررسی سال‌های دور فراموش شده پرداخته‌ایم. بی‌شمار اگر با این دیدگاه به زبان پارسی و یا نام‌های باستانی ایران بزرگ که اندام‌های بدن این زبان پارسی کنونی نامیده می‌شود نگاه شود. می‌شود هزاران گونه گمانه‌پردازی کرد و از آن گمانه‌پردازی‌ها کتاب‌های فراوانی نوشت و یا می‌توان کتاب‌سازی کرد و نوشت چه کسانی در چه روزگاری و در چه کتابی چه نوشته‌اند و یا چه کسانی درست و یا چه کسانی نادرست نوشته‌اند.

نارساتر از همه‌ی این دیدگاه‌ها آن است که بدون بررسی و پژوهش گروهی از این دیدگاه‌ها را بسته به نیاز و روند زندگی خود پذیرفت و به یک باور فرمایشی رسیده و به درست بودن آن پافشاری کرد. یا می‌توان زبان را از فرهنگ سوا کرد و دست‌آزاری برای گرایش‌ها و خواسته‌ها دانست. بی‌گمان اگر چنین باورهایی فراگیر شود. یا گویشوران و دست‌اندرکاران فرهنگ و زبان و آموزش‌دهندگان زبان به این باورها برسند زبان در بن‌بست زبانی گرفتار آمده است. زیرا که اندیشیدن در زمینه‌ی زبان به بن‌بست رسیده است و زبان پارسی که هسته آن از (نوا + خرد) ساماندهی شده است. خرد از هسته‌ی

زبان گرفته می‌شود و یا اندیشه از زبان سوا می‌شود و گویشوران زبان در زمینه‌ی زبان خود نمی‌اندیشند. مانند اینکه گویشور زبان و یا دانش اندوخته در زمینه‌ی زبان از خود نمی‌پرسد واژه‌ی (گمان)^۱ چگونه ساخته شده است و یا چرا نام این کلان شهر را تهران^۲ و نام آن کلان شهر دیگر را کرج^۳ و یا چرا آن میدان را ونک^۴ نامیده‌اند.

ناگفته نماند که گروه این نام‌های باستانی اندک نیست در چهار استان از ایران بزرگ [استان تهران، استان میانه (مرکزی)، استان خوزستان و استان لرستان] تا کنون نزدیک به ۷۷۸۰ نام باستانی با تکیه بر پژوهش‌های میدانی گسترده شناسایی شده است و در یک پژوهش میدانی گذرا و با تکیه بر انگارش زبان (ریاضی و زبان) به گمانه پیش از بیست هزار نام باستانی شناسایی شده است که ژرف‌ساخت این نام‌ها اندام‌های بنیادین زبان پارسی است. این نام‌های باستانی یا واژگان را هم اکنون مردم ایران بسته به کوچک و بزرگ بودن شهر و روستاها هر روز چندین بار به زبان می‌رانند و بخش بزرگی از زبان و فرهنگ مردم ایران نامیده می‌شود. اما این نام‌های گوهریک و یا ژرف‌ساخت زبان پارسی به بهانه‌ی نام بودن از زبان کنار گذاشته شده است و اگر هم بخواهیم بدون پرده پوشی بگوییم.

ما بنیاد و شالوده‌ی زبان پارسی را کنار گذاشته‌ایم و به واژه‌سازی‌های خنده دار از آمیختگی زبان پارسی با زبان تازی نشسته‌ایم. زبان را اندیشه و اندیشیدن را از زبان گرفته‌ایم یا اینکه زبان پارسی را که از پیوند (نوا + ن) است خرد را رها کرده و نوا را چسبیده‌ایم. هنگامی هم که اندیشیدن در زمینه‌ی زبان نیست رسید. بی‌گمان زبان پارسی از زمان جا خواهد ماند.

در چنین روندی زبان پارسی پاسخ گوی نیاز گویشوران خود نیست. در این کتاب نزدیک به ۱۳۰۰ نام باستانی که هنر خردورزی نیاکان مردم امروز این سرزمین‌ها است شناسایی و ریشه‌یابی شده است. آیا این ۱۳۰۰ اندام زبانی در ادب‌سار امروز به کار گرفته می‌شود؟ اگر چنین است ادبار و روند آموزش و هنر نوشتن همگام با فرهنگ مردم امروز

۱- گمان: (گم + مان) (گم: ناپیدا + مان: خرد) گمان: خرد گم شده، خرد ناپیدا.

۲- تهران: ساخته شده‌ی آراسته.

۳- کرج: آفریده شده برای زندگی.

۴- ونک: پیروزی، ستایش، نیایش (ریشه‌یابی در همین کتاب).

ایران زمین است و مردم امروز ایران در زمینه‌ی فرهنگ و زبان خود به اندیشه نشسته و زبان خود را با زمان هماهنگ کرده و فرهنگ امروز خود را گزارش می‌کنند. اما اگر چنین نیست و زبان ادبیک امروزی با نزدیک به ۶۰٪ واژه‌های بیگانه به دور از فرهنگ مردم این مرز و بوم راهی دگرگونه می‌پیماید، بی‌گمان خرد زبان کنار گذاشته شده و آن زبان گویشی دست‌ساز و نوپا خواهد بود. زیرا که زبان بدون ژرف‌ساخت گویش خوانده می‌شود. از سویی نمی‌توان گفت که استان تهران تنها همین ۱۳۰۰ نام باستانی را داشته است.

بی‌گمان، شمارگان نام‌های باستانی تهران بسیار افزون‌تر است و شمار فراوانی از آن نام‌ها چون به فراموشی سپرده شده است که من نتوانستم ردپایی از آن نام‌ها بیایم، شاید از ناتوانی من. اما بی‌گمان در شناسایی و ریشه‌یابی این نام‌های باستانی اندک نادرستی‌هایی به چشم خواهد خورد. اما نه آنچنان که از هسته‌ی زبان و یا چهارچوب انگارش زبان (ریاضی زبان) بی‌دور باشد، اما هرچه هست من شاگرد فرهنگ چند هزار ساله‌ی این سرزمین هستم به استاد فرهنگ این سرزمین. می‌توان کمتر خرده گرفت و این شاگرد را راهنمایی کرد. زیرا که پژوهش‌های تن فرسا و پرهزینه‌ی میدانی دست یاری نبود. اما آنچه که یافته و در این کتاب نهفته شده است آن نیست که بگوییم در گذشته چه بوده است می‌گوییم اکنون هست و فرهنگ مردم امروز این سرزمین است که دیرینگی چند هزار ساله دارد و آنچنان ارزان به دست نیامده است. نیاکان مردم این سرزمین‌ها برای نگهداری و نگهدانی از این فرهنگ چند هزار ساله، جنگ‌ها کرده و کشته‌ها داده‌اند و رنج‌ها کشیده‌اند و بارها زندگی آنان با آتش کشیده شده است. پس باید به آن بها داده شود و من نگارنده و پژوهشگر هم شادمانم از آن که توانسته‌ام گوشه‌هایی از این فرهنگ گرانسنگ را از زیر بار گرد زمان بیرون آورم و به تماشا بگذارم. به امید اینکه مردم این سرزمین هم با نگاهی به درخشش فرهنگ خود با پژوهش بیشتر بر بالندگی فرهنگ ایران‌زمین بیفزایند.

با درود و سپاس

مصطفی پاشنگ